



المیزان؛ وامدار تمام معلومات علامه در مسیر استنطاق قرآن

علامه طباطبایی درصدد استنطاق قرآن و کشف و ارائه پیام آن بوده و در این حوزه از همه علوم خود بهره برده؛ بنابراین نمی‌توان گفت که ایشان فقط با استفاده از قرآن و روایات به تفسیر قرآن کریم پرداخته است.

علامه طباطبایی درصدد استنطاق قرآن و کشف و ارائه پیام آن بوده و در این حوزه از همه علوم خود بهره برده؛ بنابراین نمی‌توان گفت که ایشان فقط با استفاده از قرآن و روایات به تفسیر قرآن کریم پرداخته است.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم یعقوبیان، مدرس حوزه علمیه، محقق و نویسنده، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره محدوده ورود عقل به تفسیر قرآن از منظر علامه طباطبایی اظهار کرد: این بحث عرض عریضی دارد و در توضیح این مسئله برای مثال باید به عبارت 171؛ کما حکم به العقل حکم به الشرع؛ اشاره کنیم که این تعبیر در واقع به قاعده ملازمه برمی‌گردد و بستگی به این دارد که ما دایره ملازمه بین عقل و شرع را تا کجا بدانیم.

وی همچنین در تشریح این مطلب به بحث حسن و قبح عقلی و چیستی آن اشاره و بیان کرد: برخی حسن و قبح عقلی را به معنای ادراک کمال و نقص تلقی کرده‌اند، برخی حسن و قبح را به معنای 171؛ ادراک مایذم و مایمدح؛ دانسته و تحلیل‌های مختلفی از حسن و قبح ارائه کرده‌اند. بر اساس تحلیل‌های مختلف نتایج متفاوت به دست داده‌اند.

این محقق و پژوهشگر در توضیح این مطلب که هرآنچه را که عقل حسن آن را درک کرد، شرع نیز آن را تأیید می‌کند، گفت: به عنوان مثال این‌که عقل درک می‌کند که آسفالت کردن کوچه بهتر از سنگ‌فرش کردن آن است، آیا از این مطلب کشف می‌شود که آسفالت کردن شرعاً مستحب است؟! اگر کسی بخواهد قائل باشد که هر چیزی را که عقل حسن آن را کشف می‌کند، شرع نیز آن را تأیید کرده و برای آن حکم می‌دهد، اینجاست که موضوع کمی خطرناک می‌شود و بحث قوانین مصوب بشری و موضوعات متعدد دیگر از دل آن بیرون می‌آید.

وی با بیان این‌که آرای بسیار گسترده‌ای در باب دایره حجیت عقل در استنباط از آیات مطرح شده است، عنوان کرد: بسیاری از علمای اصولی و فلسفی ما فراوان به این مباحث پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به مرحوم مظفر اشاره کرد که در اصول فقه خود به مناسبت، بحث ملازمات و مستقلات عقلیه را مطرح کرده است. البته گروهی از اهالی مکتب تفکیک معتقدند که ما فقط باید به عقل فطری الهی خداداد و به قول خود ایشان عقل خالی از شوائب و اوهام رجوع کنیم؛ عقلی که از کارخانه علوم دیگر وام نگرفته باشد، برداشت چنین عقل فطری الهی از قرآن کریم حجت است.

علامه طباطبایی در کنار قرآن، از روایات و معارف اهل بیت (ع) به عنوان ثقل اصغر نیز استفاده کرده و جمیع علوم در اختیار خود را در جهت استنباط بهتر از قرآن و روایات به کار گرفته است و به نظر بنده، علامه این دغدغه را نداشته که یک صبغه خاصی را از قرآن ارائه دهد.

نویسنده کتاب 171؛ لوازم‌البیان؛ اضافه کرد: در اینجا فقط از باب تذکر باید گفت که بحث عقل با علوم عقلی متفاوت است؛ یعنی در بحث حجیت عقل در استنباط آیات، آیا مراد ما از عقل یک نیروی الهی فطری بشری است یا این‌که قواعدی است که در فلسفه و منطق ارائه شده است.

وی اضافه کرد: برخی از علما برآنند که همه آیات را می‌توان به قواعد فلسفی و عقلی برگرداند که این عرض عریض، قطعاً قابل پذیرش نیست. همچنین اگر مراد از عقل، استفاده از قواعد فلسفی و عقلی باشد، باید گفت که این قواعد عقلی در جای خود چقدر ثابت است و به فرض ثابت و مسلم بودن، بتوان از آن برای فهم قرآن استفاده کرد. اما اگر عقل به معنی این نیروی خداداد الهی و عقل نظری الهی است، این عقل نیز در حد ادراکاتی که دارد، حجت است.

یعقوبیان در داوری خود درباره برخی از کسانی که به سبب توجه خاص علامه به روایات معصومین (ع)، المیزان را بر خلاف ظاهر آن، تفسیری روایی می‌دانند، گفت: ارائه معنای درست و دقیق از واژه‌ها و مشخص کردن حد و مرز آنها ضروری است. تفسیر روایی تعریف مشخصی دارد و در این گونه تفاسیر (مانند تفسیر برهان، تفسیر نور الثقلین و...) مفسر از خود ارائه نظری ندارد.

وی تصریح کرد: حتی برخی از علما تفسیر صافی را به سبب آن‌که در برخی مواضع آن، نظرات خاص فیض کاشانی و برداشت‌های ایشان آمده، در عداد تفاسیر روایی خالص قلمداد نکرده‌اند؛ چراکه تفسیر مأثور یا روایی تفسیری است که روایات در آن بدون بررسی و

این مدرس حوزه علمیه خاطرنشان کرد: تفسیری چون میزان را که شامل بسیاری از علوم و فنون است، نمی‌توان تفسیر روایی دانست؛ گاهی اوقات این روایات، مؤیدی بر نظر علامه است و گاهی اوقات در مقام ردّ نظریه‌ای از آن استفاده کرده و گاهی اوقات نیز در برابر آن سکوت کرده و حتی سند حدیث را نیز ذکر نمی‌کنند؛ بنابراین اگر بخواهیم میزان را يك تفسیر روایی بنامیم، باید تعریف دیگری از تفسیر روایی ارائه کنیم.

نویسنده کتاب 171#&لوامعالبیان؛ اظهار کرد: به صرف این‌که علامه قبل از تفسیر خود روایات را دیده و با استفاده از پیش‌زمینه‌ای که روایات به ایشان داده‌اند، مطلب را از آیه استخراج کرده، نمی‌توان میزان را يك تفسیر روایی دانست؛ چنانکه برخی دایره تفسیر قرآن به قرآن را چنان گسترده گرفتند که حتی تفسیر قرآن به روایات را نیز نوعی تفسیر قرآن به قرآن محسوب کردند.

تفسیری چون میزان را که شامل بسیاری از علوم و فنون است، نمی‌توان تفسیر روایی دانست؛ گاهی اوقات این روایات، مؤیدی بر نظر علامه است و گاهی اوقات در مقام ردّ نظریه‌ای از آن استفاده کرده و گاهی اوقات نیز در برابر آن سکوت کرده و حتی سند حدیث را نیز ذکر نمی‌کنند.

وی اضافه کرد: علامه طباطبایی شخصیتی فیلسوف، عارف، فقیه، اصولی، رجالی، حدیث‌دان و ریاضیدان و به تعبیری يك انسان جامع است. از عصاره تمام این علوم برای فهم و استنباط قرآن استفاده کرده و در این بین، از روایات نیز بسیار استفاده کرده است. ایشان کسی است که سه دوره بحارالانوار شریف را مطالعه کرده و حتی قبل از نگارش میزان يك تفسیر روایی نیز داشته است.

یعقوبیان اظهار کرد: علامه طباطبایی به عنوان يك مجتهد جامع، تمام این علوم را در اختیار دارد و از همه این علوم برای فهم قرآن استفاده می‌کند. به تعبیر علامه حسن‌زاده آملی چون قرآن و دین جامع است، حرف جامع را يك جامع می‌زند. علامه طباطبایی نیز جامعیتی دارد و از این مجموعه برای فهم قرآن استفاده کرده و این ادعا که ایشان فقط با استفاده از قرآن و روایات به تفسیر قرآن پرداخته سخن صحیحی نیست.

وی با بیان این‌که علامه طباطبایی در تفسیر خود درصدد بوده است تا به نیازهای انسان در همه ابعاد با رجوع به قرآن کریم به عنوان ثقل اکبر پاسخ دهد، ادامه داد: البته ایشان در کنار قرآن، از روایات و معارف اهل بیت(ع) به عنوان ثقل اصغر نیز استفاده کرده و جمیع علوم در اختیار خود را در جهت استنباط بهتر از قرآن و روایات به کار گرفته است و به نظر بنده، علامه این دغدغه را نداشته که يك صبغه خاصی را از قرآن ارائه دهد و انتساب يك صبغه خاص به این تفسیر حتی با مطالبی که در تبیین روش تفسیری ایشان در مقدمه میزان آورده است، ناسازگار است.

یعقوبیان در پایان سخنان خود گفت: از منظر علامه طباطبایی، قرآن صرفاً برای مباحث فلسفی یا کلامی نازل نشده، بلکه آمده است تا انسان را متعالی کند و از همین روی، تمام تلاش ایشان این است که طرح و برنامه‌های قرآن برای ابعاد مختلف زندگی بشر را استنباط و ارائه کند و اصلاً بنا نبود که ایشان قرآن را با قواعد فلسفی یا تنها با استناد صرف به روایات تفسیر کند. علامه درصدد استنباط قرآن و کشف و ارائه پیام آن است و در این حوزه از همه علوم خود نیز استفاده کرده است.